یادگاه عالمان دین | ۴ |

مجتهد فسادستیزی که به اتهام افساد في‌الأرض اعدام شد!

مروری کوتاه بر زندگی و زمانه آیت‌الحق شهید شیخ فضل‌الله نوری قدس‌سره

• تولد و زادگاه

شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در روز دوم ذیحجه سال ۱۲۵۹ [یکشنبه ۳ دی ۱۲۲۲ شمسی] در روستای لاشک از توابع کجور مازندران به دنیا آمد و در بلده مرکز بخش فعلی نور نشو و نما یافت. «پدر شیخ، ملاعباس کجوری از افراد مورد اعتماد و وثوق مردم منطقه و از روحانیون اصیل آن دیار بود که علامه عبدالحسین امینی در «شهداءالفضیله» و شیخ آقابزرگ تهرانی در «الذریعه» وی را از افاضل علمای دین و پیشوایان مورد اعتماد و وثوق مردمان در منطقه نور مازندران می‌شمردند.»

• تحصیلات

شهید شیخ فضل‌الله نوری، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش زیر نظر مرحوم ملااسماعیل معروف به ملاشیخی – عالم منطقه لاشک– گذراند. سپس به بلده رفت که در آن روزگار، دارای حوزه علمی دایر و پررونقی بود و در بین قُرا و قصبات منطقه نور جلوه‌ای بارز داشت. پدرش، ملاعباس آن زمان مقیم تهران بود و در یکی از مساجد سنگلج نماز می‌گزارد. شیخ به‌زودی از بلده بار بست و به تهران رفت و در دامن پدر که فقیهی زبردست بود، به تکمیل آموزش‌های دینی پرداخت. استاد دیگر شیخ در تهران، آیت‌الله شیخ حسین فاضل لنکرانی اول (جد حاج شیخ حسین لنکرانی معروف) از مجتهدان سرشناس تهران بود.

شیخ در تهران، به‌مراتب عالی علمی دست یافت. دانش بلند وی در این زمان را می‌توان از آثار علمی که در همین ایام نگاشت، فهمید. او با هوش و استعدادی که داشت، در سال‌های اقامت در تهران (در ۲۱–۲۰ سالگی)، رساله‌ای را با نام دُرَرالتنظیم به شعر سرود و در آن، مسائل فقهی را به‌صورت نظم درآورد.

اقامت شیخ در پایتخت دیری نپایید و در همان عنفوان جوانی، به سنت آن روزگار بار سفر بست و به عزم نیل به قله دانش، عازم عتبات عالیات شد و در نجف اشرف، از محضر درس فقیهان بزرگ و دل‌آگاه عصر مانند: سیدمهدی قزوینی غروی حلاوی، آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، شیخ راضی، شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء، میرزا حبیب‌الله رشتی و سید محمدحسن میرزای شیرازی رحمهم‌الله خوشه‌ها چید.

عشق و علاقه شیخ فضل‌الله به استاد خود تا جایی بود که وقتی آیت‌الله میرزای شیرازی قدس‌سره از نجف به شهر سامرا رفت و در آن‌جا اقامت دائم برگزید، شیخ فضل‌الله نتوانست، دوری ایشان را تحمل کند و در اولین فرصت، او نیز راهی سامرا شد تا از حوزه درس استاد کسب فیض نماید. شیخ در کنار تحصیل به تدریس نیز پرداخت. پایه علمی او را تا حدی بالا دانسته‌اند که گفته‌اند: اگر در عتبات می‌ماند، پس از میرزای شیرازی، احتمال مرجعیت او زیاد بود.

• بازگشت به تهران

شیخ فضل‌الله پس از حدود ۲۰ سال اقامت در عتبات، در محرم ۱۳۰۳ق (۱۲۶۴ ش) با کوله‌باری گران از دانش و تقوا، به فرمان میرزای شیرازی، از سامرا به تهران بازگشت.

• برخی از اقدامات و فعالیت‌ها

حضور در جنبش تنباکو

در جریان جنبش تنباکو، هنگامی که ناصرالدین‌شاه به میرزاحسن آشتیانی دستور داد که یا در ملأعام قلیان بکشد یا از شهر بیرون برود و میرزا تصمیم به بیرون رفتن گرفت، اولین کسی از علما که در حمایت از میرزا، به خانه وی وارد شد، شیخ فضل‌الله نوری بود.

تشکیل مجلس

مجلس تدوین قانون اساسی، بعد از صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه تشکیل شد. با توجه به ترکیب اعضای مجلس، اختلافاتی بین علما و روشن‌فکران به وجود آمد. روحانیان که خواهان اسلامی‌بودن و شرعی‌بودن قوانین بودند، با خواسته‌های روشن‌فکران غرب‌زده و فراماسون‌ها که خواستار قانونی همسان با کشورهای غربی بودند، به مخالفت برخاستند. اکثر مجلس در دست روشن‌فکران وابسته و فراماسون‌ها بود؛ به طوری که از شانزده نماینده تهران، سیزده نفر فراماسون بودند.

شیخ با وجود اعتراض قبلی به‌همراه آیات بهبهانی و طباطبایی رحمهما‌الله در جلسات مجلس شرکت کرد تا شاید بتواند، جلو تصویب قوانین غیراسلامی را بگیرد؛ ولی فراماسون‌ها عنوان نظام را مشروطه قرار دادند.

شیخ فضل‌الله نوری رحمه‌الله وقتی این وضع را دید، تصمیم به مقاومت گرفت و برای اصلاح وضع، اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس را پیشنهاد کرد. این پیشنهاد با مخالفت روبه‌رو شد و او به نشان اعتراض مجلس را ترک کرد و این اقدام نیز از هوشیاری و شمِّ سیاسی او حکایت داشت.

تطبیق قانون با شرع

در جلسه ۲۰ خردادماه ۱۲۸۶، پیشنهاد شیخ فضل‌الله در مورد حضور گروهی بیش از ۵ نفر از علما در مجلس برای نظارت بر مطابقت قانون با شرع مطرح و با موافقت اکثر نمایندگان تصویب شد.

پس از آن بود که مخالفت‌ها با لزوم تطابق قوانین با شرع آغاز شد. مخالفان انطباق مشروطه بر قوانین اسلامی و الهی را ناممکن می‌دانستند و معتقد بودند در صورت انطباق، دولت‌های خارجی دولت ایران را به عنوان حکومت مشروطه به رسمیت نخواهند شناخت. از سوی دیگر نتیجه تشکیل کمیسیون علما دخالت گسترده‌تر آنان در امور اجرایی و سیاسی خواهد بود. و ممکن است قانون به وسیله علما تباه شود به این دلیل که شرع، قوانین هزار و سیصد سال قبل است و مردم قانون اساسی‌ای را می‌خواهند که در دولت‌های مشروطه دنیا برقرار شده است.

مقاومت‌ها در برابر فعالیت کمیسیون تطبیق، شیخ فضل‌الله نوری را واداشت که انطباق قوانین با شرع را قانونی کند و آن را به صورت یک ماده در متمم قانون اساسی بگنجاند. شیخ دراین‌باره گفت است: «چون دیدم این طور است، به مساعدت جمعی، ماده نظارت مجتهدین در هر عصر برای تمییز آرای هیئت مجتمعه اظهار شد». شیخ فضل‌الله نوری پیشنهاد کرد که «انجمنی از طراز اول مجتهدین، فقها و متدینین، قوانین موضوعه مجلس را قبل از تأسیس در آن انجمن علمی به‌دقت ملاحظه و مذاکره نمایند؛ اگر آنچه وضع شده مخالف با احکام شرعیه باشد، عنوان قانونیت پیدا نخواهد کرد».

جنبش عدالت‌خواهی

شیخ فضل‌الله نوری رحمه‌الله در تأسیس عدالت‌خانه و جنبش روحانیت و تدوین قانون اساسی نقش عمده‌ای داشت. او حوادث جنبش عدالت‌خواهی را نتیجه بحران‌های سیاسی و اقتصادی و فقر عمومی و ستم درباریان و هرج و مرج و بی‌قانونی و بی‌لیاقتی زمام‌داران و نفوذ بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های مهم می‌دانست و از قیام مردم برای اصلاح کمبودهای کشور حمایت می‌کرد. بی‌تردید شیخ در این راه، رواج شریعت را می‌طلبید و روی هم رفته، برای استقرار حکومت شرعی می‌کوشید. او بر اساس باورهای عمیق خویش، اسلام را در همه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و جز آن، دارای قدرت و غنا می‌دانست و می‌گفت: دین اسلام اکمل ادیان و اتمّ شرایع است و این دین، دنیا را به عدل و شورا خوانده است. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما، از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید.

تحصّن در سفارت انگلیس (آغاز تحرک فراماسونرها)

هنگامی که مبارزات در حال رشد و گسترش بود و تغییر نظام حکومتی کشور قطعی به نظر می‌رسید، انگلیس به‌وسیله فراماسونرها و روشن‌فکران وابسته، در میان مبارزان و برخی رهبران نهضت نفوذ کرده، به پخش شایعه احتمال حمله دولت به مردم پرداخت و با این کار، زمینه را برای پناه‌بردن به سفارت انگلیس آماده کرد. این کوشش‌ها موجب شد تا فکر تحصّن در سفارت بین مردم رواج یابد. سرانجام با کوشش فراماسون‌های بازار و جمعی از روشن‌فکران، تحصن در سفارت آغاز شد. بنا به اظهار یکی از شاهدان عینی «این فکر از طرف دو یا سه‌نفر از تجار عمده که در آن وقت نفوذ زیادی داشتند و با دربار و شاه هم بی‌ارتباط نبودند، بروز کرد.

شیخ فضل‌الله رحمه‌الله از بدو آغاز بحث تحصن با آن مخالفت نمود و مردم را از تحصن در سفارت بازداشت. عوامل وابسته، از غیبت علما که در قم تحصن کرده بودند، استفاده کرده، تحصن را قوت بخشیدند. شیخ فضل‌الله معتقد بود: «مشروطه‌ای که از دیگ پلو سفارت انگلیس سر بیرون بیاورد به درد ما ایرانی‌ها نمی‌خورد.»

• مشروطه مشروعه

شیخ فضل‌الله رحمه‌الله با مشروطیت مخالفتی نداشت و بحث او در کیفیت آن بود. با دیدن وضع آن روز جامعه گفت: من والله با مشروطه مخالفت ندارم. با اشخاص بی‌دین و فرقه ضالّه و مضلّه مخالفم که می‌خواهند به اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه‌ها به انبیا و اولیا علیهم‌السلام توهین می‌کنند و حرف‌های کفرآمیز می‌زنند.

علمای اسلام مأمورند، برای اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم. چگونه من مخالف با عدالت و مروج ظلم می‌شوم؟ من در همین‌جا قرآن را از بغل خود درآورده، قسم خوردم و قرآن را شاهد عقیده‌ام قرار دادم که مخالف مشروطه نیستم. معاندین گفتند: این قرآن نبوده است؛ بلکه قوطی سیگار بوده؛ حال با همچو مردمی چگونه مخالفت نکنم؟ چگونه بی‌طرف شوم و سخنی نگویم؟

من مخالف اساس مشروطیت نیستم؛ بلکه اول کسی که طالب این اساس بود، من بودم و فعلاً هم مخالفتی ندارم؛ امّا مشروطه به‌همان شرایطی که گفتم که قانون اساسی و قوانین داخلی مملکت، باید مطابقت با شرع داشته باشد.

• حمایت امام خمینی قدس‌سره از دیدگاه شیخ

امام خمینی رحمه‌الله با تأیید نظر شیخ شهید در مورد مشروطه مشروعه و تجلیل از تلاش او در راه تصویب قانون اساسی موافق با قوانین اسلامی، انحراف نهضت مشروطیت از مسیر صحیح و اعدام شیخ شهید را کار بیگانگان و عمّال داخلی آنها می‌دانست که به‌موجب ترس از قدرت اسلام و روحانیان، به این کار دست زدند. او در این مورد فرمود:

«لکن راجع به‌همین مشروطه و اینکه مرحوم شیخ فضل‌الله رحمه‌الله ایستاد که مشروطه باید مشروعه باشد، باید قوانین موافق اسلام باشد، در همان وقت که ایشان این امر را فرمود و متمم قانون اساسی هم از کوشش ایشان بود، مخالفین، خارجی‌ها که یک همچو قدرتی را در روحانیت می‌دیدند، کاری کردند در ایران که شیخ فضل‌الله مجاهد مجتهد دارای مقامات عالیه را، یک دادگاه درست کردند و یک نفر منحرف روحانی‌نما او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه شیخ فضل‌الله را در حضور جمعیّت به دار کشیدند.» (صحیفه نور، ج۱۸، ص۱۷۵)

• جلسه دادگاه

سرانجام، در ۱۲ رجب جمعی از مشروطه‌خواهان به خانه شیخ رفتند و او را دستگیر نمودند و به‌وسیله درشکه به میدان توپخانه آوردند و در یکی از اطاق‌های طبقه فوقانی محبوسش نمودند.

شیخ از زمانی که حبس شد تا موقعی که اعدام گشت، تمام ساعات را با بردباری و خونسردی و متانت گذراند و ضعف نفس از خود نشان نداد و راه عجز و ناله و توسل به این و آن را در پیش نگرفت و شخصیت خود را حفظ کرد.

ظاهراً صورت جلسه‌ای از دادگاه شیخ فضل‌الله و اینکه دقیقاً وی در برابر اتهاماتش چه پاسخ‌هایی داده است، در دست نیست. کسروی می‌نویسد:

«ما از این محکمه و از داوران آن و چگونگی محاکمه هیچ‌گونه آگاهی نداریم و این شگفت[است] که با آن همه روزنامه‌ها که همین هنگام آغاز شده بود و سپس شماره آنها بسیار فزون‌تر گردید، در این باره‌ها چیزی نوشته نشده است و چندورقی که گویا جداگانه در این‌باره چاپ شده نیز، ما آنها را ندیده‌ایم.

طبق نوشته ملک‌زاده در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، در آغاز جلسه، شیخ ابراهیم زنجانی که یکی از روحانیان مشروطه‌خواه بود، ادعانامه مفصلی که حاکی از مجرمیت شیخ بود، قرائت نمود و اعدام مجرم را از دادگاه تقاضا کرد.

اتهام‌نامه در یک محیط بهت و سکوت قرائت شد. شیخ به‌دقت به‌مندرجات آن گوش می‌داد. پس از خاتمه قرائت لایحه مذکور، چنددقیقه صحبتی به میان نیامد و همه منتظر بودند که شیخ در مقابل اتهامات مندرجه در لایحه چه عکس‌العملی از خود نشان خواهد داد و چگونه از خود دفاع خواهد کرد؛ ولی شیخ صحبتی نکرد و زبان به گفت‌وگو نگشود. مستعان (رئیس کمیته جهانگیر) که از آغاز مشروطیت در جریان امور بود، به شیخ گفت: در مقابل اتهامات وارده که قرائت شده، چه جوابی می‌دهید؟

از ظاهر نقل‌های شفاهی از جلسه دادگاه شیخ چنین برمی‌آید که وی پاره‌ای از اتهامات، از جمله دستور قتل برخی افراد را تکذیب کرده است و پاره‌ای از اتهامات را پذیرفته و گفته است: طبق اجتهاد خویش عمل نموده‌ام.

سرانجام در پایان جلسه، شیخ ابراهیم زنجانی به‌پا می‌ایستد و می‌گوید: «طبق برخی مستندات جناب حاجی شیخ فضل‌الله، مفسد فی‌الارض است و باید بر طبق قوانین اسلام، با او همان معامله‌ای را که خداوند راجع به مفسدین فی‌الارض دستور داده است.» سپس شیخ را به اطاقی که در آن زندانی بود، می‌برند و اعضای دادگاه، پس از یک ساعت مشاوره، به‌اتفاق رأی می‌دهند که چون حاجی شیخ فضل‌الله نوری، قیام بر ضد حکومت ملی نموده و سبب قتل هزارها هزار نفوس و خرابی بلاد و غارت و فساد گردیده است، محکوم به اعدام است.

امام خمینی قدس‌سره در سخنرانی برای اعضای جامعه روحانیت مبارز چنین فرمودند: «تاریخ یک عبرت است برای ما... شما تاریخ انقلاب مشروطه را بخوانید و ببینید در انقلاب مشروطه چه بساطی بوده است...

ببینید چه جمعیت‌هایی هستند که روحانیون را می‌خواهند کنار بگذارند. همان‌طوری که در صدر مشروطه با روحانیون این کار را کردند و اینها را زدند و کشتند و ترور کردند، همان نقشه است، آن وقت ترور کردند سید عبدالله بهبهانی را، کشتند مرحوم نوری را و مسیر ملت را از آن راهی که بود برگرداندند به یک مسیر دیگر و همان نقشه الآن هست که مطهری را می‌کشند، فردا هم شاید من و پس فردا هم یکی دیگر را...

مرحوم جلال آل‌احمد در کتاب خدمت و خیانت روشن‌فکران می‌نویسد: «من نعش آن بزرگوار را بر سردار همچون بیرقی می‌دانم که به علامت استیلای غربزدگی پس از دویست سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد.».

• اجرای حکم

مأموران اجرا، حکم دادگاه انقلاب را به شیخ ابلاغ کردند و بلادرنگ او را در میان گرفته و از پله‌های طبقه فوقانی عمارت توپخانه سرازیر شده، وارد میدان شدند. محکوم فاصله میان زندان و محل اعدام را با خونسردی و متانت پیمود و با وجود سن بالا، ضعف و ناتوانی از خود نشان نداد و در دقایق آخر عمر، ثبات و استقامت خود را به ظهور رسانید. ناظرین نزدیک به محل اعدام گفته‌اند که جان‌کندن شیخ بیش از نیم دقیقه طول نکشید.

پس از اعدام، جسد شیخ شهید را به حیاط شهربانی منتقل کردند و در وسط حیاط بر روی یک نیمکت قرار دادند. مشروطه‌طلبان و دیگر افرادی که نسبت به دین کینه و عداوت داشتند، به جسد نیز حمله کردند. نیروهای مسلح با قنداق تفنگ، دیگران با لگد و ... به‌طوری که خونابه از جسد سرازیر شد. ابتدا از تحویل جسد به خانواده شیخ جلوگیری کردند و بعد از مدتّی، جسد را تحویل خانواده وی دادند. آنان نیز جسد را در خانه مخفی کرده و پس از حدود هیجده‌ماه آن را به قم بردند و در یکی از اتاق‌های صحن مطهر حرم حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک سپردند.

اعدام شیخ شهید، نقاب از چهره مدعیان دروغین آزادی و عدالت برداشت و مردم فهمیدند که مشروطیت، سرابی بیش نبوده است. کم‌کم روحانیان دیگر نیز، از مجلس و دولت کنار گذاشته شدند و زمینه جدایی دین از سیاست فراهم شد.

منابع: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ سیاست‌نامه آخوند خراسانی؛ تاریخ مشروطه.

جشن تکلیف دختران یزدی به میزبانی دفتر امام جمعه یزد برگزار شد

دفتر نماینده ولی‌فقیه در استان یزد، میزبان دختران دهه نودی مکلف یزدی بود که با شور و نشاط کودکانه و معنویت همراه بود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، در این مراسم که به‌همت معاونت فرهنگی دفتر امام جمعه یزد و با همکاری سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری یزد و با هدف تقویت و ترویج معارف اسلامی برگزار شد، ۳۱۳ نفر از دانش‌آموزان مدرسه دخترانه سید گل‌سرخ و مدرسه آیت‌الله خاتمی یزد حضور یافته بودند.

در این مراسم آیت‌الله ناصری، رسیدن به مقام عبادت و بندگی پروردگار را به دختران دانش‌آموز تبریک گفت و اظهار کرد: همه ما بندگان خدا هستیم و خدا ما را آفریده و همه نعمت‌ها را در اختیار ما قرار داده تا استفاده ببریم و به کمال برسیم و باید کارهایی که انجام می‌دهیم، ما را به خدا نزدیک کند.

امام جمعه یزد با تأکید بر اینکه خدا همه انسان‌ها را دوست دارد و می‌فرماید: اگر بندگان من می‌دانستند که چقدر دوست‌شان دارم از شوق قالب تهی می‌کردند، ادامه داد: پس ما نیز باید خدا را دوست داشته باشیم و اخلاق و رفتار و کارهای‌مان به‌گونه‌ای باشد که به خداوند متعال نزدیک شویم.

نماینده ولی‌فقیه در استان یزد، بر لزوم شکرگزاری خداوند تأکید کرد و یادآور شد: همه ما باید شکرگزار نعمت‌های فراوانی که خدا به ما داده است باشیم و کاری نکنیم که باعث دوری ما از خدا شود.

این مراسم با اجرای حجت‌الاسلام فردی‌نژاد و حضور خدام رضوی و با اجرای سرود جشن عبادت توسط دختران شرکت‌کننده و برنامه متنوع و نیز اهدای هدیه به همه دختران شرکت‌کننده همراه بود.

انتشار اولین مجله شیعه‌شناسی به‌زبان فرانسوی در اصفهان

حجت‌الاسلام سیدحسین مؤمنی اظهار کرد: به‌همت معاونت تبلیغ و فرهنگ عمومی حوزه علمیه اصفهان، مدرسه گردشگری اسلامی ناصریه واقع در ضلع جنوبی مسجد امام رحمه‌الله اصفهان، به‌مدت ۱۰ سال است که به‌صورت مداوم در خصوص تبلیغ در حوزه گردشگری و گردشگری اسلامی مشغول به فعالیت است.

وی افزود: از جمله فعالیت‌های این معاونت در حوزه بین‌الملل، علاوه بر تبلیغ شفاهی و چهره به چهره توسط مبلغان زبان‌دان این مرکز، در اختیار قراردادن کتب و مجله‌های مناسب جهت شناساندن بهتر اسلام و فرهنگ اسلامی به گردشگران خارجی می‌باشد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، معاون تبلیغ و فرهنگ عمومی حوزه علمیه اصفهان عنوان کرد: به‌دلیل کمبودهایی که در این بخش خصوصاً در حوزه مجله در زبان‌های پرگردشگر وجود دارد، اولین مجله معرفی دقیق شیعه به‌زبان فرانسوی در اختیار گردشگران خارجی فرانسوی زبان قرار می‌گیرد.

حجت‌الاسلام مؤمنی اذعان کرد: گردشگران فرانسوی بعد از انگلیسی و اسپانیولی، بیشترین تراکم را در بین گردشگران اروپایی و آفریقایی دارند. پیش از این، مجله‌ای به‌زبان اسپانیولی نیز در این مرکز گردشگری در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته بود که با استقبال گردشگران اسپانیولی‌زبان مواجه شد.

دوره ۱۰ روزه تنفس پژوهشی در فیضیه مازندران برگزار می‌شود

مدرسه علمیه فیضیه مازندران، همزمان با تعطیلات میان‌ترم ۲۰ تا ۳۰ دی، با هدف ترویج فرهنگ پژوهش و تحقیق و ایجاد فرصت جهت انجام پژوهش برای طلاب، اقدام به طرح‌ریزی تنفس پژوهشی کرده است.

این دوره ۱۰ روزه از ۲۰ تا ۳۰ دی و همراه با ارائه گواهی شرکت در دوره می‌باشد.

مزایا دوره شامل: اعطای گواهی به طلاب موفق در دوره از طرف مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و استفاده از ظرفیت طلاب موفق در دوره، برای برگزاری کارگاه در مدرسه می‌باشد.

اشتراک افق حوزه
۰۲۵ -۳۲۹۰۰۵۳۶
۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰